



# نکوداشتی در دل نکوداشت

آیین نکوداشت اندیشمند فرزانه،

استاد محمدرضا سحاب

● محمود اردو خانی

گزارشگر مجلات رشد

● اشاره

نکوداشت استاد

محمدرضا سحاب با حضور

اساتید و اندیشمندان علم

جغرافیا و سایر رشته‌ها در حالی

برگزار شد که فضایی کاملاً صمیمی را

به دور از هر گونه کلیشه‌محوری رقم

زد. در این نکوداشت اساتیدی از علم

جغرافی با سخنرانی‌های خود، زحمات

استاد سحاب و بنیان‌گذاران مؤسسه

فرهنگی علمی سحاب را گرامی داشتند.

استاد محمدرضا سحاب در پایان

مراسم، آیین نکوداشت خود را با توجه

به خیرمقدم‌های مهمانان به نکوداشتی

فراتر از یک فرد و مؤسسه تبدیل کرد.

او تک‌تک افرادی را که در سالن حضور

داشتند با چشمان نافذش رصد می‌کرد و

از آن‌هایی که از دور و نزدیک دستی بر

آتش داشتند شخصاً دعوت می‌کرد تا روی

سکوی برنامه حاضر شوند. تا نکوداشت،

نکوداشت همه زحمت‌کشان جغرافیایی در

حوزه‌های کارتوگرافی، نقشه و مؤثران در

عرصه آموزش خرد و کلان جغرافیا شود.

امید است این گزارش نوشتاری بتواند

برای لحظاتی صمیمیت و فرهیختگی

نکوداشت‌شونده، استاد محمدرضا سحاب

را به رخ بکشد و مخاطبان عزیز را با

بزرگ‌منشی استاد سحاب آشنا سازد.

## ● سخنرانان آیین نکوداشت استاد محمدرضا سحاب

- دکتر مراد کاویانی‌راد، مدیر گروه جغرافیای خانه اندیشمندان علوم انسانی؛

- دکتر محمد تقی رهنمایی، استاد جغرافیای دانشگاه تهران و از پیشگامان و مدرسان گردشگری؛

- دکتر عباس سعیدی رضوانی، محقق، جغرافی‌دان برجسته و استاد جغرافیا؛

- همایون امیرزاده، رئیس روابط عمومی وزارت ارشاد، که تقدیرنامه دکتر صالحی، وزیر فرهنگ و

ارشاد اسلامی را در کنار سخنرانی خود قرائت کرد؛

- استاد جمشید کیانفر، پژوهشگر، نویسنده و کارشناس ارشد تاریخ، مترجم و عضو

هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی؛

- دکتر محمود جعفری دهقی، استاد گروه فرهنگ و زبان دانشگاه تهران؛

- دکتر ناصر تکمیل همایون؛

- دکتر عباس بخشنده نصرت، استاد جغرافیا و پدر مطالعات کوچندگی

و کوچ‌زیستی ایران؛

- دکتر زهرا حجازی‌زاده، استاد دانشگاه خوارزمی؛

- و سخنران پایانی آیین نکوداشت، استاد محمدرضا سحاب.

از تو می‌پرسم چیست در انجم در خشان فلک

چیست در چینش این گوی مدور که زمینش

خوانی

چیست در سایه ابر انبوه که زند بوسه بر آن، قلّه کوه

چیست در نعره سیل که خروشنده به دریا ریزد

چیست در گرد شتابنده که از دامن صحرا خیزد

چیست در بهت و سکوت، چیست در پرده ساز ملکوت

گر شنیدی تو مناجات درختان به هنگام سحر

نیست این‌ها همه جز ذکر عبودیت او

همه از اوست که می‌اندیشند، همه از اوست که در رقص و قیامند و

قعود آری آری، آفرینش همه تسبیح خداوند دل است.

و سخنرانان در ادامه برنامه‌های نکوداشت می‌گویند:

استاد محمدرضا سحاب از اینکه نام شما، پدر و پدربزرگان را در

کنار نام بزرگانی چون بطلمیوس، خوارزمی، میلر، مسعودی، ابوریحان

بیرونی و استخری دیدم به خود می‌بالم که این یک واقعیت انکارناپذیر

در ایران، خاورمیانه و جهان است.

براساس آموزه‌های دینی، بزرگداشت عالم به علم برکت می‌دهد. یک

عالم عامل مساوی است با هفتاد هزار عابد.

چو خواهی که نامت نماند نهان

مکن نام نیک بزرگان نهان

در دوره‌ای به سر می‌بریم که به عصر انفجار اطلاعات معروف است؛

دوره‌ای که لحظه به لحظه بر دامنه علم افزوده می‌شود. در چنین

سخنرانی اساتید محترم در آیین نکوداشت محمدرضا

سحاب به صورت گزیده و مرتبط با نکوداشت آمده

است، لذا در ارائه بخش‌هایی از بیانات سخنرانان به

عنوان استاد اشاره شده است.

● آیین نکوداشت محمدرضا سحاب پس از پخش

سرود ملی جمهوری اسلامی ایران و قرائت کلام الله مجید

آغاز شد.

ابتدا مجری برنامه با دکلمه‌ای مناجات‌گونه، ورودی حماسی،

جغرافیایی و عرفانی را سرآغاز قرار می‌دهد و می‌گوید:

فضایی ملت‌ها و کشورهای شرافتمندانه خواهند زیست که بتوانند در عرصه علم بدرخشند.

برای درخشیدن باید ابزارها و زیرساخت‌هایی فراهم باشد که به بخش حاکمیتی و فرهنگی جامعه برمی‌گردد. جامعه‌ای که برای بزرگانش عزت و احترام قائل است، حتماً به این درخشندگی خواهد رسید.

دلیل قدردانی از کسی که علم را با عمل درآمیخته، آن است که برای توسعه باید حرمت بزرگان را حفظ کرد و بر خود واجب دانست. ما با بزرگداشت این افراد آن‌ها را بزرگ نمی‌کنیم، بلکه خود ما بزرگ می‌شویم.

جناب استاد سحاب، افتخار می‌کنیم که امشب در کنار شما هستیم. استاد سحاب جدا از وزانت علمی که در قالب مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب دارند، خودشان و پدرانشان منشأ خدمات بزرگی برای کشور بوده و هستند. چنین افرادی در حوزه جغرافیا کم‌اند. بنابراین بر خود می‌یالیم که میزبان استاد سحاب هستیم.

مجری برنامه با اشاره به اینکه همیشه پشت سر موفقیت‌های علمی فرهیختگان و دانشمندان قطعاً یک همسر فداکار وجود دارد که همه وجودش سرشار از عشق است و همراهی، از همسر استاد سحاب قدردانی و تشکر کرد.

یکی از دلایل مهم موفقیت مؤسسه سحاب و پابرجا بودن آن از سال ۱۳۱۵ تاکنون با رویکرد توسعه، تنها دانش نبوده، بلکه کارکرد و عمل بوده و فراتر از آن عشق بوده که این مؤسسه را موفق و در صدر حفظ کرده است.

در این وقت اندک نمی‌توان درباره یک مؤسسه بزرگ چون سحاب و عزیزی مانند محمدرضا سحاب جان کلام را ادا کرد، لذا تنها به موضوعاتی چند اشاره می‌شود تا کلیدی باشد برای ورود به بحث و اهمیت یک مؤسسه خصوصی، که نه بر گردن جغرافیا بلکه بر گردن تمامی آحاد این مملکت حقی بزرگ دارد.

سحاب، اولین مؤسسه‌ای است که کشورشناسی را از طریق نقشه یعنی دیدن، نه شنیدن و خواندن در متون، کتاب‌ها و نوشته‌ها به مردم ایران منتقل کرد. در صد سال گذشته اگر از یک اصفهانی یا خراسانی یا اهالی هر استانی سؤال می‌کردیم که اهواز و اردبیل و سنجک کجا هستند، نمی‌توانست در ذهن تصور کند و بداند این شهرها در کدام قسمت نقطه‌ای هستند که او قرار دارد. مؤسسه سحاب حق بزرگی بر گردن ملت ایران دارد، چرا که خانه ملت را به مردم نشان داد و به آن‌ها یاد داد که چگونه در جایی که ایستاده‌اند، بقیه نقاط و ایالت‌ها و ولایت‌ها و شهرها را تشخیص بدهند و بدانند در کدام جهت قرار دارند. باید متذکر شد که برای نخستین بار در خانه اندیشمندان علوم انسانی مراسمی با ماهیت دوگانه برگزار می‌شود، یعنی ضمن تجلیل از یک شخص، از یک خانواده و مؤسسه‌ای تجلیل می‌شود که چهار نسل آن بیش از ۸۵ سال در جایگاه بخش خصوصی، با توجه به ضعیف بودن بخش خصوصی در اعصار مختلف بدون حمایت هیچ شخص یا ارگان دیگر دوام آورده است. کسانی که در سن و سال بنده هستند و با مؤسسه آشنایی دارند، می‌دانند این مؤسسه چه مسیر پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است تا بتواند آنچه امروز هست باشد.

سحاب عضوی از خانواده جغرافیاست که دربرگیرنده تمام ایران است. ما اگر اهمیت جغرافیا را بشناسیم، باید تلاش و کوشش بیشتری نسبت به شناخت این مؤسسه انجام دهیم، هر چند کوشش زیادی

نکرده و نمی‌کنیم. در دنیا اگر کسی بخواهد تابعیت کشوری را بگیرد، باید تاریخ، جغرافیا و قوانین مدنی آن کشور را بداند. به همین دلیل جغرافیا یکی از مسائل مهم برای ملت‌ها و دولت‌هاست که باید به آن توجه ویژه داشت. چهار نسل دوام آوردن برای یک مؤسسه کار کمی نیست، در حالی که محصول آن شاید مقبولیت اجتماعی هم ندارد. ارزش کار مؤسسه سحاب و استاد محمدرضا سحاب که آن را سرپا نگه داشته‌اند، چیز کمی نیست و همه ملت ایران باید قدر چنین مؤسساتی را بدانند.

مؤسسه سحاب همواره با دانشگاه همراه بوده، به گونه‌ای که این همراهی هیچ منافع مادی برای آن نداشته است. در تمام همایش‌ها و کنفرانس‌ها فعال بوده و بدون هیچ‌گونه توقع مادی حمایت می‌کرده است. من می‌دانم مهندس سحاب چه مسیر سختی را برای سرپا نگه داشتن مؤسسه پشت سر گذاشته است تا امروز ما به فعالیت‌ها و وجود آن افتخار کنیم. کیفیت کار مؤسسه سحاب و مهندس سحاب نه تنها از مؤسسات هم‌تراز بین‌المللی کمتر نیست، بلکه بیشتر است.

مؤسسه سحاب با جمع‌آوری اسناد و مدارک معتبر درباره خلیج فارس، این نام را ماندگار و ابدی ساخت.

در ادامه، یکی دیگر از سخنرانان چنین گفت: فکر می‌کنم سه نفر در آنچه ما با عنوان جغرافیای مدرن می‌شناسیم نقش تعیین‌کننده داشتند: مسعود کیهان، که مجموعه سه جلدی ایران‌شناسی را با محتوای عالی منتشر کرد. دوم، رزم‌آرا که ما همیشه او را در جغرافیا دست‌کم می‌گیریم. یکی از کتاب‌های ایشان لرستان است که در سال ۱۳۲۰ به چاپ رسید. سومین نفر، مرحوم عباس سحاب است. این سه نفر نقش بی‌چون و چرایی در آنچه ما امروز در کلاس‌ها می‌گوییم داشتند.

جناب رهنمایی خیلی خوب بحث نقشه را مطرح کرد و درباره تأثیرگذاری آن مطالبی گفت. وی اظهار داشت که مؤسسه سحاب در ترویج علم جغرافیا نقشی بزرگ داشته و از پیشگامان بوده است، آن هم در کارهایی که اقتصادی نیستند. پدر و پسر و فامیل در آن وارد می‌شوند، کمک می‌کنند و بدون چشمداشت مادی، اسناد و مدارک و داشته‌های خود را در اختیار همگان می‌گذارند.

وی در ادامه گفت: «من به‌عنوان کسی که در کنار خلیج فارس زندگی می‌کنم باید بگویم که ما از جعل نام خلیج فارس به نام‌های دیگر خیلی اذیت می‌شویم و آزار می‌بینیم. زمانی به دنبال صاحبان اثر در حوزه خلیج فارس بودم که متوجه شدم نام ایشان در صدر است. در واقع آنچه در بحث خلیج فارس و اسناد و نقشه‌ها وجود دارد، همه از مؤسسه سحاب ناشی شده است. امیدوارم فعالیت‌های این مؤسسه توسط نسل چهارم و خانواده ایشان ادامه یابد. امروز این‌گونه برداشت کردم که نظام ارزش‌گذاری علم جغرافیا باید تغییر کند، چون از هویت و نشانه‌های ما می‌گوید. این حس غروری به‌عنوان یک خلیج فارس‌نشین در اثر تحقیقات ارزنده استاد سحاب، مؤسسه و خاندان ایشان به انسان دست می‌دهد، یقیناً در جای‌جای این سرزمین وجود دارد و حقانیت تاریخی و هویتی ما برای اثبات نقشه‌های جغرافیایی است.

یکی  
دیگر

از اساتید و

سخنرانان می‌گوید:

وقتی صحبت از سحاب

می‌شد، در قدیم یاد ابر

می‌افتادیم. اما به دبستان که

رفتیم، سحاب معنای دیگری برآیمان

پیدا کرد. نسل من با کتاب‌های عجیب

تاریخ و جغرافیا سروکار داشتند که به قول

مرحوم آل احمد نه در کشوی میز، نه در کیف و نه

در زیر بغل دانش‌آموز جای می‌گرفت، اما به دلیل چاپ

رنگی و نقشه‌ها و تصاویر، نظر را به خود جلب می‌کرد. ما زیاد

از موضوعات آن‌ها سر در نمی‌آوردیم و بیشتر به خاطر همان رنگ

و نقشه‌ها بود که خوشمان می‌آمد. نمی‌دانستیم مفهوم نقشه چیست،

تا اینکه با مؤسسه سحاب آشنا شدم. در دوره دبیرستان، دبیرمان

می‌گفت هر جا می‌روید اول نقشه آنجا را تهیه کنید. در واقع با نوع

آموزش ایشان نقشه را یاد گرفتیم. می‌گفت مسیرها را با نقشه بروید و

در این رابطه، نقشه‌های مؤسسه سحاب را به ما معرفی می‌کرد. نکته

مهمی که به ما تأکید می‌کرد، این بود که اگر می‌خواهید جغرافی یاد

بگیرید با نقشه کار کنید تا در ذهنتان بماند.

ما تمام نقشه‌هایمان را از طریق مؤسسه سحاب تهیه می‌کردیم.

برای مثال در دوره دانشجویی استاد اروپای شرقی را درس می‌داد و

می‌گفت: «باید نقشه را بکشید و بسازید. باید کوه و رود را با خمیر

درست می‌کردیم. به همین خاطر به مؤسسه سحاب مراجعه و آنجا با

مرحوم سحاب افتخار آشنایی پیدا کردم. به هر حال، الفبای نقشه و

ساخت آن را از مؤسسه سحاب یاد گرفتیم. بنده همواره در ذهنم این

سؤال وجود داشت که مؤسسه سحاب چگونه می‌چرخد، در حالی که

درآمد خاصی ندارد، مگر می‌شود؟ تا اینکه متوجه شدم با همین

درآمد کم و نقشه‌ها آنجا را اداره می‌کردند.

در مصاحبه‌ای از آقای سحاب خواندم زمانی که می‌خواستند کره

جغرافیایی را بسازند، همه مقدمات را آماده کرده بودند، اما ساخت

آن باید در خارج ایران انجام می‌شد. خوب پول نداشتند، ثروتمند

هم نبودند. خانه‌ای که با سختی خریده بودند، در گرو بانک گذاشتند

تا بتوانند کره‌ها را بیاورند تا ما در مدارس جغرافیا را با آن بشناسیم

و بیاموزیم و بدانیم ایران در کجای این کره و جهان قرار دارد. حتی

برای چاپ نقشه اطلس خلیج فارس ناگزیر می‌شوند فرش زیر پایشان

را بفروشند.

بهرآستی یک انسان چقدر باید به کارش علاقه‌مند باشد و تا چه حد

باید عاشق کارش باشد که چنین فداکاری‌هایی بکند. یعنی در حالی

که اکثر افراد تلاششان برای کسب و به دست آوردن زندگی راحت



است، انسانی پیدا می‌شود که برای چاپ اطلس خلیج فارس فرش زیر پایش را می‌فروشد و هزینه چاپ را تأمین می‌کند. این مؤسسه تا امروز این‌گونه اداره شده است. از ۱۳۱۵ پدر با پسر ۱۵ ساله در برپایی یک مؤسسه بزرگ همگام می‌شوند تا به تک‌تک ما ایرانیان یاد بدهند چگونه سرزمین و زادگاهمان را بشناسیم؛ جوان ۱۵ ساله‌ای که وقتی به دو فرنگی آدرس می‌دهد و می‌شنود که می‌گویند ایرانی‌ها به عقبه ۲۵۰۰ ساله خود می‌بالند، اما یک نقشه ندارند که شهر و محیطشان را معرفی کند، همانجا تصمیم می‌گیرد این کار را انجام دهد. کوچه به



نکوداشت یکی از پیشروان ارزنده  
جغرافیای ایران شرکت کرده‌اند، تشکر  
و قدر دانی می‌کند و می‌گوید:

جغرافیا علمی است که بدون نقشه هیچ  
مفهومی ندارد و ما تا سال ۱۳۱۵ یک نقشه به درد  
بخور از ایران نداشتیم، چون مؤسسه‌ای برای کارتوگرافی  
وجود نداشت، تا اینکه ابوالقاسم سحاب و فرزندشان عباس در  
این عرصه ورود کردند و زحمات زیادی برای تهیه نقشه کشیدند  
و امروز ما صاحب یک مؤسسه ارزنده بین‌المللی هستیم به نام  
کارتوگرافی سحاب که در حال حاضر با همت مهندس محمدرضا  
سحاب کاملاً شکل گرفته است. خوب است بدانیم که تا سال ۶۴  
کارتوگرافی در ایران به صورت سنتی انجام می‌شده و از آن سال به بعد  
است که نقشه‌های ارزنده در سطح بهترین نقشه‌های اروپایی در این  
مؤسسه انجام شد. از این خاندان تشکر فراوان می‌کنیم و برای آن‌ها  
آرزوی توفیق بیشتر داریم. بنده از نزدیک شاهد بودم که با چه زحمات  
ارزنده و فراوانی نقشه‌ها را تهیه می‌کنند. در واقع آنجا بود که متوجه  
شدم کارتوگرافی چقدر ارزشمند است به گونه‌ای که می‌تواند به جای  
یک کتاب صحبت کند. انسان گاهی با مطالعه یک نقشه می‌تواند یک  
کتاب اطلاعات به دست آورد.

درباره اهمیت نقشه باید بگویم وقتی در سوربن تحصیل می‌کردم یک  
دانشجوی دکترای کانادایی رساله خود را فقط در ۱۷ نقشه جغرافیایی  
ارائه کرده بود و در زمان دفاع مطالب خود را روی نقشه بیان می‌کرد.  
نقشه تا این حد ارزشمند است. در علم جغرافیا، سال‌های گذشته در  
تمام مقاطع جغرافیایی ایران از کارشناسی تا دکترای کارتوگرافی هم  
بود، اما متأسفانه در سال‌های اخیر این واحد درسی از دوره دکترای  
ارشد حذف شده است. واقعا متأسفم، چون می‌بینم اغلب جغرافی دانانی  
که کتاب و مقاله می‌نویسند، نوشته‌هایشان خالی از نقشه است. بنده  
معتقدم جغرافیا علمی است که بدون نقشه هیچ مفهومی ندارد.

استادی دیگر خیلی کوتاه در نکوداشت سحاب  
می‌گوید: نکوداشت یعنی بهانه‌ای برای کنار هم  
بودن، زندگی یعنی همین بهانه‌های کوچک گذرا.  
همیشه در پشت یک مرد موفق یک همسر خوب حضور  
دارد. با تشکر از همسر مهندس سحاب. زندگی‌مان سرشار از  
بهانه‌های شادی و لبخند.

در این قسمت از برنامه نکوداشت بعد از سخنرانی اساتید که  
گزیده‌هایی از آن‌ها آمد، نوبت به سخنرانی استاد محمدرضا سحاب  
رسید.

استاد سحاب بعد از عرض سلام و تشکر می‌گوید که من لایق این  
همه صحبت و لطف نیستیم، کاری نکرده‌ام، یک مؤسسه‌ای بوده، بنده  
هم جزئی از آن بوده‌ام. زمانی که پیشنهاد نکوداشت کردند، عرض  
کردم برای مؤسسه نکوداشت بگیری. فرق بنده با بقیه در مؤسسه این  
بوده که همه عمرم را اینجا گذاشتم و جز دوران سربازی که اجباری  
بود، جای دیگری نرفتم.

استاد محمدرضا سحاب متواضعانه نکوداشت را نکوداشتی عمومی  
می‌کند و درباره خودش اشاره می‌کند که حتی دانشگاه را شبانه  
گذراندم، چون روزها در مؤسسه مسئول کارتوگرافی بودم.



**برای اولین بار  
است که در تاریخ  
خصوصاً تاریخ معاصر  
ایران خانواده‌ای به نام  
سحاب پیدا می‌شود و مؤسسه‌ای  
بزرگ را بنیان می‌نهد. بعد از مرحوم  
ابوالقاسم سحاب و بعد استاد محمدرضا  
سحاب، امیرعباس فرزند ایشان است که  
امیدوارم این راه را ادامه دهد**

زمانی از من می‌پرسیدند ساعت کار شما از چه ساعتی تا چه ساعتی  
است، می‌گفتم از ۸ صبح تا ۸ صبح. تعطیلی نداشتیم. امروز کامپیوتر  
هست، اما در گذشته یک قلم روتوش بود و یک قلم راپید. پدرم با  
قلم هاشور کار می‌کرد. چیز دیگری نبود. امروز همه امکانات هست از  
جی‌آی‌اس تا سایر ابزارهای پیشرفته و به‌روز. ما هم کیفیت را بالا  
بردیم و عقب‌گرد نکردیم، خودمان را با دنیا هماهنگ کردیم. ما اولین  
مؤسسه‌ای بودیم که کارتوگرافی کامپیوتری را در وسط جنگ، سال  
۱۳۶۴ همان‌طور که دوستان فرمودند، آغاز کردیم، سختی کارها را به  
جان خریدیم و هنوز هم با عشق کارمان را ادامه می‌دهیم، نه با نگاه  
اقتصادی.

استاد سحاب در صحبت‌های پایانی خود می‌گوید: «وقتی یک نقشه  
ما چاپ می‌شود و روی میز من می‌آید، تمام خستگی‌ها از تنمان  
درمی‌رود. از همه شما خیلی ممنون و متشکرم».

در پایان مراسم نکوداشت، کیک ۸۴ سالگی مؤسسه سحاب کام  
همه شرکت‌کنندگان را شیرین کرد.